

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۰۴ دسمبر ۲۰۲۱



یونس نگاه

فرمان حقوق زنان

(یا مقررہ معاملات زنان)

امارت اسلامی افغانستان
کمیسیون امور فرهنگی
دفتر سخنگوی

شماره: ۳۹۵
۱۴۴۳/۱/۲۸ هـ ق

فرمان خاص عالیقدر امیرالمؤمنین در مورد حقوق زنان صادر شد

بسم الله الرحمن الرحيم

مقام رهبری امارت اسلامی به همه مسئولان امارت اسلامی، علمای کرام و بزرگان قومی هدایت می‌دهد که برای تامین حقوق ذیل زنان اقدامات جدی نمایند:

- ۱- رضایت دختران بالغ در انثای نکاح ضروری است (البته، نکاح با کفو (هم مثل) باشد و خطر فتنه و فساد هم در آن نباشد). هیچکسی کدام زن را به جبر و اکراه به نکاح مجبور نمی‌تواند.
- ۲- زن مال نیست، بلکه انسان آزاد و اصیل است و هیچکسی آن را در بدل صلح (پد) داده نمی‌تواند.
- ۳- پس از وفات شوهر، هرگاه عدت شرعی (چهار ماه و ده روز و یا وضع حمل) سپری شود، زن بیوه را نه برادر شوهر به زور به نکاح گرفته می‌تواند و نه کسی دیگری. زن بیوه در مورد نکاح و تعیین سرنوشت خود صاحب اختیار است (البته که اصل کفو (هم مثل) و جلوگیری از فتنه و فساد در نظر گرفته شده باشد).
- ۴- گرفتن مهر از شوهر نو حق شرعی زن بیوه است.
- ۵- زن در مال شوهر متوفی، اولاد، پدر و دیگر اقارب به طور فرضیت و عصبیت حق میراث و سهم ثابت دارد و هیچکسی وی را از حق اش محروم کرده نمی‌تواند.
- ۶- کسی که چند زن دارد، مکلف است حقوق همه زنان را مطابق حکم شرعی بدهد و در بین شان عدل قائم کند.

برای تعمیم حکم فوق و تطبیق خوب آن، ارگان‌های ذیل امارت اسلامی در بخش‌های مربوطه خود اقدامات انجام دهند:

الف: به وزارت حج و اوقاف حکم می‌شود که در مورد این هدایات در باره حقوق زنان؛ علما و خطبای کرام را تشویق نماید، تا از راه خطبات و مواعظ خود مردم را به فهماند، که بر زنان ظلم نشود و ندادن حقوق زنان سبب نارضایتی و قهر و عذاب خداوند متعال می‌گردد.

ب: وزارت اطلاعات و فرهنگ نیز با استفاده از وسائل خود مطالب مفید ترغیبی و ترهیبی را در باره حقوق زنان به شکل تحریری و صوتی به گونه دوامدار به نشر بسپارد. صاحبان فن و استعداد را برای تکثیر و اشاعت رسائل مفید تشویق نماید و به حد ممکن بعضی رسائل کوتاه و مهم را با استفاده از وسائل خود به چاپ برساند، تا در باره حقوق شرعی زنان توجه علمای کرام جلب و زمینه آگاهی عامه و جلوگیری از ظلم جاری بر زنان، آسان شود.

ج: مقام عالی ستره محکمه به تمام محاکم هدایت دهد تا عرایض زنان خصوصاً در باره حقوق بیوه‌ها و ظلم بر آن‌ها را به گونه اصولی بگیرند و در این مورد غفلت ننمایند، تا زنان برای نجات از ظلم و به دست آوردن حقوق شرعی شان نا امید نشوند.

د: والیان و ولسوالان با وزارت‌خانه‌های متذکره و ستره محکمه در عرصه تطبیق این فرمان همکاری همه‌جانبه نمایند. والسلام

مقام رهبری امارت اسلامی
۱۴۴۳/۴/۲۸ هـ ق
۱۳۰۰/۸/۱۲ ش. 3/12/2021 م

رهبر طالبان فرمانی را در ارتباط به حقوق زنان صادر کرده است. فرمانی که محتوای آن کمی از وضعیت جاری ما بهتر است و اگر تطبیق شود چند قدم وطن افتاده در چاه سنت و عنعنات چوپانی را به زندگی دهاتی نزدیک می‌کند. اما

اگر از چشم یک آدم شهری به آن نگاه کنیم، سرتاپای فرمان دشنام‌نامه به زنان است، زنجیرنامه و اعلامیه بردگی زنان می‌باشد.

(۱) در ماده اول گفته شده است که رضایت دختران بالغ هنگام نکاح ضروری است. ولی نگفته است که نکاح زنان نابالغ منع است. با توجه به رسمی که در وطن جاریست و درکی از ذهنیت طالبان داریم، می‌توان از این ماده فهمید که امیر می‌گوید دختران نابالغ را ولی می‌تواند به شوهر بدهد و رضایت‌شان شرط نیست.

(۲) زن مال نیست. آن {نگفته او} را به بد ندهید. این ماده حکایت از عقب‌ماندگی بیش‌ازحد مردم دارد. اکثریت مردم گرفتار عرف و سنت‌های چوپانی از ملا و طالب هم عقب‌مانده‌ترند.

(۳) زن بیوه، در نکاح بعدی صاحب اختیار است. ولی نگفته است که آیا زن اختیار دارد تا شوهر دوم نگیرد و با فرزندانش زندگی کند؟ آیا زن بیوه حق سرپرستی فرزندانش را دارد؟ آیا او می‌تواند برای نان و آب فرزندانش به بازار رفته کار کند؟ از روحیه عمومی فرمان بر می‌آید که زن غیر از شوهر کردن دیگر حقی ندارد و نمی‌تواند سرپرست فرزند، مالک دارائی و صاحب کسب باشد.

(۴) زن بیوه می‌تواند از شوهر نو خود مهریه بگیرد. این هم حکم وابستگی مالی زن است. زن حق کار ندارد. لذا باید از شوهر مهریه بگیرد تا گرسنه نماند.

(۵) زن در مال پدر، شوهر و اولاد خود شریک است. این شریک بودن در مال مردان خانه حکم خلع مالکیت و حق کار زن است. زن اگر حق کار داشته باشد چرا از پدر پول بگیرد؟ چرا به دست شوهر ببیند؟ چرا حتی به فرزند وابسته باشد؟ چرا کوتاه و مختصر گفته نمی‌شود که زن و مرد حقوق مساوی دارند.

(۶) مردان می‌توانند چند زن بگیرند و حق هر زن را رعایت کنند. ماده ششم رد صریح ماده‌های یک، دو و سه است. زن اگر حق انتخاب داشته باشد چرا زن چندم شود؟ زن اگر مال نباشد چطور مردی هم‌زمان صاحب چندتای آنان شود؟ در مقیاس آنچه عملاً در افغانستان زیر سیطره ملاها، بزرگان قوم و امارت (به آنانی که امیر طالبان در آغاز صلاحیت تطبیق فرمان خود را داده است) جاری است، زنان مثل مال نی بلکه مثل برده و مواشی مبادله می‌شوند. مال به معنای دارائی در جهان امروز بسیار ارزشمند است. اکثریت مردم مال خود را بیشتر از جان دوست دارند و گاه برای حفظ مال و افزودن مال از خواب، آرامش و آزادی خود هزینه می‌کنند. مال یا کالا امروز بر انسان‌ها حاکم است. زنان در افغانستان مال در حد مواشی می‌باشند نه کالا در بازار سرمایه. حکم امیر طالبان ازین جهت پیشرفته است که تشویق می‌کند مردم با زنان مثل بز و گوسفند رفتار نکنند.

بدون گشودن گره کار و مالکیت هیچ حق زن رعایت نخواهد شد. چیزی که امیر طالبان با دقت خلاف آن حکم داده است. گره آزادی زن، اخلاق و رفتار پدر یا شوهر نیست. نداشتن آزادی در انتخاب شوهر معلول فقدان آزادی کار و حق مالکیت است. طالبان درین حکم اما زنان را شایسته کار ندانسته‌اند، حق مالکیت برای‌شان قایل نشده‌اند و کل دارائی زن را به آن سوراخ خواستنی (برای مردان) و مصرفی که آن سوراخ برای مردان دارد، خلاصه کرده است. چشم امیر در تمام این شش ماده به فلان زن بوده است. اگر باور نمی‌کنید بیائید من ماده‌های حکم را لچ کرده می‌نویسم و شما بخوانید که این احکام چقدر عقب‌مانده، شهوت‌زده و حیوانی اند:

ماده (۱) رضایت دختران بالغ در اثنای نکاح (بخوانید قرارداد و اگذاری فلانش به یک مرد) ضروری است.

ماده (۲) زن را ... هیچ‌کسی در بدل صلح به مردی داده نمی‌تواند تا فلان کند.

ماده ۳) پس از وفات شوهر (بخوانید صاحب فلان زن)، هرگاه عدت شرعی سپری شود (بخوانید از فلانش چهار بار خون بریزد)، زن بیوه را نه برادر شوهر و نه کسی دیگر به زور نکاح (بخوانید فلان) نمی‌تواند. زن بیوه درمورد نکاح (بخوانید عقد قرارداد برای دراختیار گذاشتن فلان خود) صاحب اختیار است.

ماده ۴) گرفتن مهر (بخوانید پول) از شوهر (بخوانید صاحب فلان زن) حق شرعی زن بیوه (بخوانید زنی که صاحب فلانش مرده) است.

ماده ۵) زن در مال شوهر متوفی (مالک فلان زن که فوت کرده است)، اولاد (بخوانید کسانی که از فلان زن به دنیا آمده‌اند)، پدر (کسی که از فروش فلان دخترش پول گرفته است) و دیگر اقارب حق میراث و سهم ثابت دارند. این چه وطنی است که در آن حاکم نمی‌شرد و مقررۀ معاملات زن را زیر نام حقوق زنان نشر می‌کند؟

یادآوری: زبان متن را بر من ببخشید. گاهی اگر بی‌پرده سخن نگوئیم، متوجه فاجعه نمی‌شویم. متأسفم که مجبوریم درین عصر به چنین مسایل ابتدائی فکر کنیم.